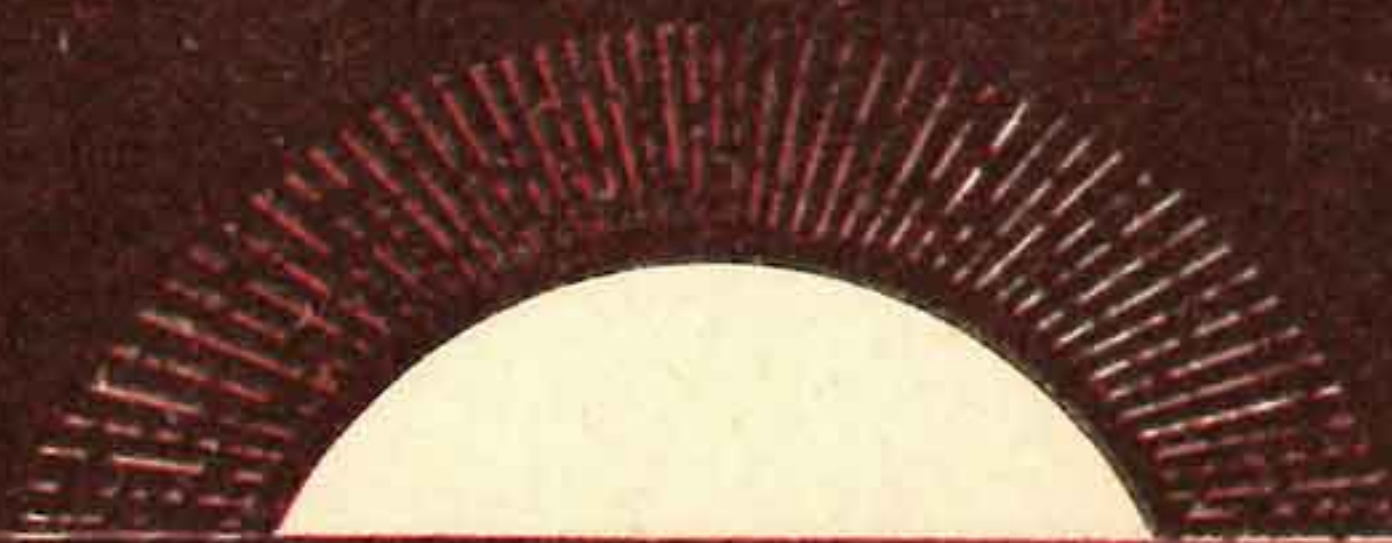
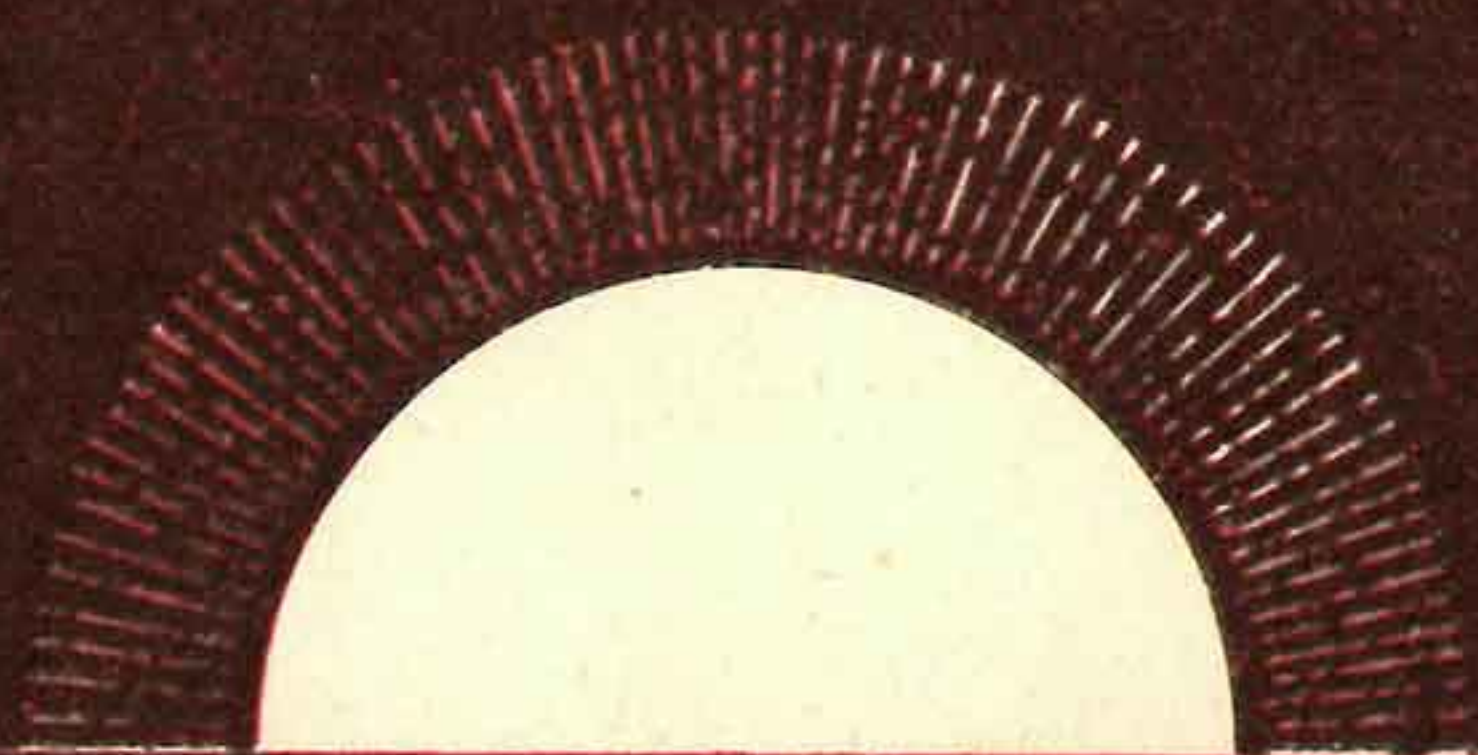


در انتظار ظهور

آیت الله طالقانی



در انتظار ظهور

باکوشش: سید محمد موسوی نژاد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



حق طبع محفوظ

دفتر مرکزی: قم - خیابان شهسوار (صفائیه سابق) کوچه آمار

پخش تهران: نامر خسرو - کوچه حاج نایب - پاساژ خاتمی

قم: صندوق پستی ۱۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون (ومنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر)
عمر طولانی این عیب را دارد که هر روز عزیزی را از دست میدهد
و به سوگ شخصیتی می نشیند و در غم برادری فرو میرود. مجاهد
عظیم الشان و برادر بسیار عزیز، حضرت حجت الاسلام والمسلمین
آقای طالقانی از بین ما رفت و به ابدیت پیوست و به ملاء اعلیٰ با
اجداد گرامش محسوس شد. برای آن بزرگوار، سعادت و راحت و برای
ما و امت ما تأسف و تأثر و اندوه، آقای طالقانی یک عمر در جهاد
و روشنگری و ارشاد گذراند... او شخصیتی بود که از حبسی به
حبس، و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و هیچگاه در جهاد
بزرگ خود سستی و سرپیچی نداشت، من انتظار نداشتم که بمانم
و دوستان عزیز و پر ارج خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم.
او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود. زبان گویای او چون
شمسیر مالک اشتر بود، برنده و کوبنده، مرگ او زودرس بود و عمر
او با برکت، رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او که در رأس
پرهیزگاران بود و بر روان خودش که بازوی توانای اسلام من به امت
اسلام و ملت ایران و عائله ارجمند و بازماندگان او این ضایعه بزرگ
را تسلیت میدهم. رحمت بر او و بر همه مجاهدان راه حق، والسلام
علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی
۲۸ شوال ۹۹ - ۵۸/۶/۱۹

**هوآلدی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی
الدین کله و کفی بالله شهیداً .
دوره حیاتی یک انسان :**

مضمون این آیه شریفه ، در چند سوره قرآن مجید تکرار شده ، ولی این آیه در آخر سوره «فتح» است که ختم آیه بجمله و کفی بالله شهیداً است اما در سوره «توبه» و سوره «صف» خاتمه آیه «ولو کره المشرکون» میباشد .

ترجمه آیه اینست : «اوست آن خداوندی که رسول خود را با نور هدایت و دین حق فرستاده تا بالاخره دین خود را بر هر دینی برتری دهد و خداوند برای گواهی کافی است، (اگر چه مردمان مشرک از پیشرفت دین حق کراهت دارند) صریح این آیه نتیجه رسالت خاتم انبیاء را، برتری بر هر دین و ظهور تام حق بیان کرده و ما را بظهور تام و کامل اسلام نوید میدهد :

جامعه زنده اسلامی؛ مانند یک فرد انسان معتدل، سه دوره حیاتی دارد.

۱- دوره طفولیت انسان فقط که دوره نشوونما است، در این دوره بواسطه حرکات جسمانی و میل ب ورزش و اشتغال ب تحصیل ذخائر جسمانی و مواد فضیلت و علم را تحصیل مینماید.

۲- در دوره دوم بتأسیس خانه و تشکیل خانواده و زندگانی و تنظیم وظائف و حدود میپردازد.

۳- در دوره سوم زندگانی، که آخرین مرحله زندگانی است، دوره ظهور عقل و فکر است. در این دوره از یک طرف بواسطه تجربیات پی در پی و زد و خوردهای زندگی و تفکرات، عقل بحد کمال (البته نسبی) رسیده و پخته گردیده، از طرف دیگر بندهای شهوات سست گردیده و عقل از میان دود شهوات و نزاع و کشمکش نیروهای مادی و حیوانی مستخلص گشته، و در واقع تشخیص عقلی مزاحم گردیده، و در این دوره احتیاج بقوانین خارج و مراقبهای بیرونی کمتر است و وظائف بطور کامل! و بی مزاحمت انجام میگیرد.

دوره‌های قبل مقدمه وجود این دوره نهانی برای انسان است؛

تکامل جامعه اسلامی:

ملت زنده اسلام در قرن اول که مولود جدید متحرک بوحی، و بتجهیز قوای معنوی خود میپرداخت و بفرآ گرفتن و حفظ قرآن و آداب و رسوم یک زندگی نوین، سرگرم بود دوره دوم آن که پس از

فتوحات آغاز میگردد دوره تاسیس قوانین و حدود و تشکیل مدنیت است : از این دوره طولانی بیشتر افکار مسلمین مصروف تجزیه و تحلیل و استنباط احکام و آداب و تنظیم کتب کلاسیکی اسلام گردید، و این مدت (که هنوز دنباله آنست) دوره نفوذ و ظهور فقها ، بزرگ قانون گذاران توانای اسلامی است .

استنباطها ، فکرها دقتها و بررسی های علمی و عمیق آنها پایه قانون گذاری دنیای اسلام میباشد کتابهای آنها در پیرامون قوانین و وظائف و سائل اجتماعی فردی و رابطه انسان با خلق و خالق ، کتابخانه ها پر کرده است ، در این دوره میتوان گفت که فقط آیات محدودی از قرآن که درباره احکام میباشد ظهور نموده ولی حقایق و معنویات و معارف اساسی قرآن هنوز در میان عموم مسلمانان ظهور تام و کاملی ننموده و اگر کسانی در قرون گذشته و یا صدر اول اسلام بآن برخوردند نسبت به عموم مسلمین اندک و مانند میوه پیشرس درخت طوبای اسلام بوده اند .

دوره عقلی عالم اسلام و حقایق قرآن فعلا شروع شده ولی هنوز در مراحل اولیه است . اصطکاک مسلمین در قرون اخیر با اروپای علم و صنعت و در نتیجه آن پیدا شدن مردان بزرگ و مصلحین عالی مقام ، تأثیر بسزائی در توجه مسلمین به معنویات اسلام و هدف نهائی قرآن نمود و جنبش با اصلاحات فکری که طلیعه دوره سوم است شروع شد : این آیه شریفه با جمله (لیظهره) که بلام غایت و نتیجه ذکر شده ما را بحکومت تام قرآن و ظهور حقایق و معارف عقلی آن نوید

میدهد، شاید مردمی این حقیقت را اهمیت ندهند و با استهزاء نمایند ولی باید متوجه بود که در ذیل این آیه تذکر داده شده که خدا گواه کافی است. یعنی سیر و حرکت و جنبش هر موجود کوچک زنده را او مراقبت دارد، نوامیس کون بدست اوست و با کراهت مردمان ماده پرست و مشرک؛ حقیقت از کار خود باز نمی ماند.

در اوائل ظهور اسلام برای عموم مشرکین عرب مضمون این آیه و وعده های پیغمبر بفتح مکه و خضوع قبایل عرب و فتح دو مملکت بزرگ روم و ایران باور کردنی نبود اشراف و اوباش، ربا خوران و سرمایه داران احتکارچی ها، بت پرستان و خداشناسان، چون حساب قدرت حق و نیروی حقیقت را نمی دانستند، و فکر کوتاه آنها بآنها اجازه نمی داند که عظمت و مقام را درک کنند، و فریفته قدرت ظاهری و تشکیلات باعرض و طول دول نیرومند آن روز دنیا بودند، باین وعده ها مسخره می کردند و چون مسلمانان گرسنه و زنده پوش را می دیدند، بالحن استهزاء می گفتند اینها سر بازان ارتش پیر و زمند اسلام و فاتحین نهضت جدید هستند؟! ولی همان مردم خودخواه و خودبین، خضوع عرب سرکش و جنگجو، و شکست دولتهای بزرگ و پوشالی را با چشم خود دیدند. و خوشبختانه امروز هم اسلام تا اندازه ای نیروی معنوی خود را نشان داده و آنچه باور کردنی نبود امروز باور کردنی گردیده است.

متفکرین و دانشمندانی که در اوضاع جهان پر عظمت اسلام بررسی و دقت می کنند و از پشت ظواهر حقایق را مینگرند، در زیر

خاکستر، حرارت جرقه‌های آتش را که با وزش نسیم و باد ملایمی، هستی جنایتکاران و ریشه فساد و مفسده را خواهد سوزانید حس می‌کنند، و از اینجا با اولیا و پیشوایان بزرگ اسلام، نسبت بآینده، هم رأی و عقیده شده‌اند.

«ستودارد» آمریکائی در دو جلد کتاب قیمتی خود، که در موضوع «عالم نو اسلام» یا «امروز مسلمین» بحث می‌کند، جنبش جدید عالم اسلام را از قرن هیجده بدنیاً گوشزد کرده و کتاب خود را که بفارسی هم ترجمه شده است، باین جمله ختم می‌کند: «پس حقیقت معرفت تأمل و امیدوار است چون معرفت یافتی تأمل کن و آرزومند باش. امیدوار و آرزومند باش که این درد مختاضیکه کنه آنرا جز کسانی که دارای علم فراوان و عقل فروزان و قلب حق پذیرند در نمی‌یابند، نیست مگر آنکه شرق جدیدی در عالم جدیدی خواهد بوجود آورد: «و الله الامر من قبل و من بعد.»

حقیقت فطری :

ظهور دولت حق و برقراری عدالت مطلق مورد انتظار عموم مردم دنیا و از تمایلات فطری است، همه میول جسمانی و تمایلات طبیعی انسان برای نتیجه حکیمانه بوده و فوق تشخیص عقل و مصلحت اندیشی است و برای هر يك از میول و سائل ظهور در عالم خارج آماده شده، ممکن است عقل بواسطه مقدمات غلط در تشخیص اشتباه کند، ولی غرائز و فطریات اشتباه کار نیستند این برای استنتاج صحیح عقل، باید مقدمات از وجدانیات و فطریات باشد.

اسلام که دین ابدیست پایه عقاید و احکام آن بر فطرت است ،
انتظار ظهور دولت حق و اجرای قوانین حکیمانه میان بشر و پیدایش
شخصیت مقتدر یکه پناه همه مردم باشد مثل همه تمایلات از خواسته‌های
درونی انسان است .

بی‌یقین چنین روزی است، هر قدر اشتباه فائدین سیاسی و نواقص
نقشه‌های اجتماعی و اقتصادی واضح‌تر می‌گردد ، امید بشر از آنها
منقطع‌تر شده و توجدها آتیه درخشان، آینده بهتر ، دنیای نوین، قوی‌تر
میگردد، ممکن است مردمانی بی‌عضی مرامهای اجتماعی و تشکیلات
آن راضی باشند و یا بتحولات مرامی خو رسند ولی اولاً این
رضایت و خو رسندی موقت ، و از جهت تجدد آنست نه حقیقت آن ،
ثانیاً باضافه و مقایسه با وضع دیگر است ، ثالثاً برای یک‌عده خاصی
این رضایت است ، پس نارضایتی از اوضاع و نقشه‌هایی که بدست مردم
عادیست . همیشه‌گی است .

این از آنجهت است که انسان همیشه متوجه یکدولت و
تشکیلات حقی است و فطرت نقشه آنرا بحسب قوه وضع فذهن رسم
می‌نماید و آنرا با اوضاع خارج مقایسه میکند چون نقص و ناتمامی
اوضاع خارج را می‌یابد در باطن بآن دلگرم و خو رسند نخواهد شد.
همین فطری را «سقراط» بنام «مدینه فاضله» بکمال فکر
خود تصویر نموده و گفته اگر چه فعلا در خارج عملی نشود و در
روی زمین محقق نگردد ، ولی در واقع و آسمان ! همین است در
تعلیمات عالیه و جاوید اسلام این آرزو تقویت شده و در مذهب باک

شیعه جزء عقیده قرارداد شده تا بواسطه ظلم و تعدی و نواقص اوضاع اجتماعی بشر، بدبینی بدستگاه وجود پیش نیاید و انسان دچار یأس و ناامیدی نگردد، و زندگی اجتماعی را برای همیشه تاریک و ناراحت کننده نبیند. دین حق که برای رفع اشتباه و خوشبین نمودن مردم بحیات و ایجاد نشاط در ادامه زندگیست، چنانکه بمبده و معاد باید انسان را آشنا کند و بشر را از جنس ماده و طبیعت حیوانی نجات دهد و از تحت تأثیر جریان علل و اسباب که بیشتر آنرا انسان بخيال خود بافته، و در میان آن چون کرم در بافته خود وامانده، باید آئینه زندگانی اجتماعی را هم روشن گرداند تا بدبینی و یأس حاصل نشود چه کوچکترین اثر بدبینی، بی رغبتی بخدمات اجتماعی و دلسردی از اقدام بکارهای عام المنفعه و نیکوست، پس توجه دادن مردم بآینده درخشان و دولت حق نوید دادن با اجرای کامل عدالت اجتماعی و تأسیس حکومت اسلام، و ظهور یک شخصیت خدا ساخته و بزرگه مؤسس و سرپرست آن حکومت و دولت است. از تعالیم عمده مؤسسين ادیان ابدت، و در مکتب تشیع که مکتب حق اسلام و حافظ اصلی معنویات آنست، جزء عقیده قرار داده شده و درباره خصوصیات چنین دولتی توصیحات بیشتری داده و شخصیت زمامدار آنرا باعلامات و نشانیهای روشنتری معرفی کرده اند. پیر و پان خود را منتظر چنین روزی فرستاده و حتمی انتظار ظهور در از عبادات دانستند. (۱) و مسلمانان همیشه انتظار ظلم و تعدی زمامداران را در رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده کرده اند.

خودپرست و تسلط دولتهای باطل و احوالات اجتماعی بزرگ و حکومت ملل ماده پرست اعم از شرقی و غربی، و خود را نیازند و دل را قوی دارند و جمعیت را آماده نمایند و متوجه باشند که حق دادای نیروی بس عظیم و قدرت شدیدی است که بالاخره خود را ظاهر میسازد.

یكدانه بذور يك قطرة نطفه چون زنده و حق است از میان خروارها آب و گل و راههای باریک و طولانی خود را ظاهر مینماید و از پشت پردههای تاریک رخ نشان میدهد و در آخر کار حتی همه موانع را استخدا می کند و بنمو و رشد خود میکوشد، اینست که در آخر سوره «فتح» پس از آنکه ظهور تام دین را بر همه ادیان وعده میدهد حصه مرکزی آنرا بیان میکند که **محمد (ص)** و کسانی که ضمیمه بروح رسالت شده اند بواسطه این روح رسالت و انضمام دارای خاصیت حیاتی همه اجسام زنده طبیعی اند که خاصیت دفع و جذب است: **«محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحما»**

بینهم تربهم رکعاً سجداً : و در پایان آیه حال آنها را در انجیل، بزراعت و دانه های زنده مثل زده : **«و مثلهم فی الانجیل کزراع**

المؤمنین ای الاعمال احب الی الله عزوجل قال انتظار الفرج، قال امیر-

المؤمنین انتظروا الفرج ولا تبأسوا من روح الله» (ترجمه: از رسول خدا (ص):

انتظار فرج عبادة است از امیر المؤمنین سؤال شد که کدام یکی از اعمال پیش

خدا نیکوتر است فرمود انتظار فرج «امیر المؤمنین (ع) فرمود منتظر فرج

باشید و از روح و رحمت پروردگار هیچوقت مأیوس و ناامید نشوید»

اخراج شطاه فزیره فاستغظ فاستوی علی سوجه» همانطور که زارع از طوفانهای زمستان و انبوه برف و یخبندان نمی‌هراسد و بقدرت بذر زنده خود و کمک و یاری خدای توانا امیدوار است، اولیا، اسلام هم در برابر این همه ظلم و فشار چون زارع مزرعه اسلام بودند و از قدرت معنوی آن مطلع و آگاه بودند بادلگر می‌و امیدواری پیر و آن خود را تقویت مینمودند و آنها را بفعالیات و نشاط و ادار میگرداند و آنها بایست کار و قدرت غیر قابل توصیفی در برابر ظلم و تعدیات ایستادگی و استقامت بنخرج دادند و خود را همیشه زنده نگه داشتند و همیشه در تاریخ نیز سرخ رو و سر بلند و سرفراز شدند.

همین عقیده است که هنوز مسلمانان را امیدوار و فعال نگهداشته با آنکه همه گونه اسباب ظاهری از دست آنها رفته و از هر طرف موجبات تلاشی و مرک را برای ملت اسلام فراهم کرده‌اند ولی قدرت معنوی آنها از دست نرفته و نمیرود تا آن روزی که دشمنان از آن میترسیدند و میترسند آشکار شود.

اینهمه فشار و مصیبت از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی، تا جنگ‌های صلیبی و حمله مغول و اختناق و تعدیات دولتهای استعماری بر هر ملتی وارد می‌آمد، خاکسترش هم بیاد فنا رفته بود، ولی آن دینیکه پیشوایان حق آن دستور می‌دهند که چون اسم صریح قائم بحق و مؤسس دولت حق اسلام برده می‌شود همه برپا بایستند و آمادگی خود را برای اجرای تمام اوامر و تمام دستورات بدینوسیله اعلام نمایند، و خود را همیشه نیر و مند و مقتدر و همگان برای اقامه

در انتظار ظهور

حق در برابر بدخواه اهان نشان دهید هیچوقت نخواهد مرد این دست و پا
قیام شاید برای احترام نباشد. والا باید برای خدا و رسول و اولیاء
دیگر هم بقیه احترام نمود. در صورتی که در آمادگی و فراهم کردن
مقدمات نهضت جهانی، و در صفت رساندن برای پشتیبانی این حقیقت
است و چون بعضی از دستورات اولیاء دین بد و انمود می شود، باین
جهت نتیجه معکوسی از آن گرفته شده، و مردمی بعنوان انتظار
ظهور وظیفه خود را فقط همین میدانند که ناظر فجایع باشند و بهر
فساد و بدبختی تن در دهند تا امام زمان بیاید و انتقام بگیرد.

در این سالها که جامعه ما با شدت و فشار رو به فساد میرفت و میرود
؛ مردمان عامی متدین را میدیدم که بظهور فحشاء و منکرات خوشحال
بودند و چون آنها را موافق با اخبار مربوط به علائم ظهور می دیدند:
میگفتند بایستی صبر کرد و عکس العملی نشان نداد!

سخنی از نهج البلاغه

از خلال احادیث و کلمات بزرگان و پیشوایان اسلام، استفاده
های قیمتی و پیرارزشی درباره چگونگی این دولت و تشکیلات آن
میتوان نمود.

و از دریچه این اخبار در مقابل منظر انسان. دنیای باشکوه سر
تاسر امن و عدالت هویدا میشود که خیال آن نیز بسیار شیرین است
از جمله جملاتی از یک خطبه مفصلی درباره مقدمات ظهور و کیفیت
این دولت و حکومت موجود است که بسیار جامع و عمیق است:

منها: يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و

يعطف الرأي على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأي «عوی و آرزو را بر اساس هدایت بر گردانده و قرار میدهد همانطور که اساس هدایت تابع هوی و هوس بود آراء شخصی را تابع قرآن میگرداند چنانکه قرآن را تابع آراء شخصی کرده بودند !»

از این چند جمله امیر المؤمنین علی (ع) معلوم میشود که عموم مردم دارای رشد عقلی و تشخیص صحیح خواهند شد و دستگاہ این حکومت بترتیب عقلی و روحی خواهد پرداخت و در نتیجه تربیت عقلی که برای عموم حاصل خواهد شد هدف فکری همه یکی میگردد، و قوای پراکنده مردم بیک سو متوجه میشود، و حقایق قرآن آنطور که هست، ظهور تام و کامل مینماید. **لیظہرہ علی الدین کلہ**

منها : (قسمت دیگر از همین خطبه است) «حتی تقوم الحرب بکم علی ساق بادياً نواجذها، مملوغة اخلافها حلوا رضاعها علقماً عاقبتها الاوفی غد۔ و سیأتی غد بما لا تعرفون۔ یاخذ الوالی من غیرها عمالها و تخرج له الارض من افالید کبدها، و تلقی الیه سلماً مقالیدها، و یرکم کیف عدل السیرة و یحیی میت الکتاب و السنة» .

کار بجائی میرسد که آن جنگک بزرگ همه شما را برپا خواهد داشت ! این جمله خبر از جنگک و حشمتناک عمومی میدهد که همه را خواہ نخواستہ وارد این میدان خونین خواهد کرد. «در حالیکہ دندانهای آخرین خود را نمایان کرده و هر دو پستان خود را پر شیر نموده، چون شیر اندر حال غضب دهان باز میکند این جنگک نیز شدت و بیباکی پیش میرود. پر کردن پستانها هم کند از آمار کمر

تمام است از جهت ذخیره و مواد غذایی و جنگی برای ادامه این خونریزی -
 بزی «شیر اولی که بکام میرسد شیرین است ولی عاقبت آن بس زهر
 آکین و تلخ است» گویا اشاره لطیفی است بفتوحات اولیه که برای
 دول قوی بدست میآید و کام آنها را شیرین میکند و بچنگ ادامه
 میدهند ولی چون چنگ طول کشید و مردم بجان آمدند در پایان
 متوجه خسارت های سنگین جانی و مالی خواهند شد و همه عزادار
 میگردند.

« هوشیار باشید فردا، در زمان فردا بیقین با خود چیزها خواهد
 آورد که شما بآن آشنا نیستید » امیر المؤمنین از پشت پرده های
 زمان با چشم حقیقت بین خود چیزها میدیدند و فریاد انجمن
 فکری که مردم آن زمان نمیتوانستند درک کنند و لغت برای بیان
 رسانده همین قدر بطور اجمال نامی از عظمت اوضاع فردا برده و
 با آنها اشاره کرد که شما نمیتوانید آنچه من می بینم درک کنید
 دستگیر و زندانی میکند آن والی حقی که از غیر آن دولت ها است
 کار فرمایان آن دولت ها را با اعمال زشت و کارهای بدشان :

گویا مقصود مهاجمه و بازداشت مؤسسين جنگ و سیاستمدان
 ارهای خود خواه است و زمین از هر قسم پاره جگر خود را برای او
 بیرون میآورد و بانسليم و بی مزاحمت کلیدهای خود را بسوی او می
 اندازد ، این قسمت بسیار مهم و شایسته دقت است که در این حکومت
 همه قوای طبیعت بیرون آمده و کلیدهای علوم و صنایع بدست آمده
 همه بدست او خواهد افتاد همان حقایق علمی و اکتشافات که وسیله

پیشرفت مقاصد شهوانی و شرافت فروشی بوده وسیله اقامه حق و پیشرفت فضیلت خواهد شد.

«پس بشما مردم خواهد نشان داد که روش عدالت چگونه است و مرده کتاب و سنت را خواهد زنده کرد، و این آخرین مرحله و نتیجه این دولت است که در آن عدالت حقی که همه در آرزوی او بوده عملی خواهد شد و قوانین کتاب خدا و سنت حق در سراسر جهان اجراء و حکومت جهانی حق و عدالت برقرار خواهد شد.

ندای حق و حق پرستی :

امام آنگاه ظاهر خواهد شد که افکار عموم بواسطه پیشرفت علوم و تجربه های تلخ مدت بی سرپرستی و فشارهای مردم خودخواه کاملاً مستعد شده و همه بجان آمده و برای پذیرفتن ندای حق آماده اند، ندای ظهور حق برای تأسیس حکومت حق و عدالت، از مکه خواهد برخواست، چون مکه اول خانه ایست که ندای توحید آنجا سرچشمه گرفته و بعالم رسیده، و نمونه کوچک امنیت و حق پرستی است دعوت دوم که قیام پیغمبر خاتم پیشوای بزرگ ما است، نیز از آنجا برخواست، ندای سوم که دعوت نهائی اصلاح است از آنجا بوسائلی که هست بهمه عالم میرسد.

سیصد و سیزده نفر که اصحاب خاص و هستند در کزی این تشکیلات هستند چون ندارا شنیدند، مانند قطعه های ابرپائیز از اطراف حرکت میکنند و در مدت اندکی در مکه بهم پیوسته میشوند، بعضی شب جای خود را ترک میکنند و صبح در مکه اند بعضی روز آشکارا حرکت

میکنند و بالای ابر یادر میان ابر سیر میکنند (قزع کقزع الخریف و بعضهم یسیر فی السحاب نهاراً) بعضی در مدت اندکی خود را میرسانند: (یجتمعون والله فی ساعة واحدة) این عده رؤسای تشکیلات مختلف، و سران حزب و مردمی خداپرست شب زنده دار، عالم، ساحشور، جنگی اند: «عن رسول الله (ص): رهبان باللیل، لیوث بالنهار، کأن قلوبهم زبر الحديد یبایعونه بین الرکن والمقام» (مردمی شب زنده دارند، در شب راهبند، روز شیران بیشه اند، گویا دلهایشان قطعه های فولاد است، میان رکن و مقام با امام بیعت میکنند) چون عده آنها کامل شد آغاز اصلاحات از سر زمین ظهور اولی اسلام شروع خواهد شد، با نیروی معنوی و بدست گرفتن وسائل و اسباب طبیعی که در آن روز دنیا البته مهمتر و هولناکتر است، حرکت میکنند و دشمنان را از میان بر میدارند، همان اسرار و رموزی که خداوند در طبیعت قرار داده و مغزهایی را مستعد کشف آن نموده و مدتها وسیله پیشرفت مقاصد فاسد و خونریزهای نژادی و مرامی بوده در دولت قائم در راه حق و تکامل نفوس و خدمت با اجتماع صرف خواهد شد.

از امام رضا (ع) آن حضرت از پدران بزرگوارش از رسول خدا (ص) فرمود: در روحی معراج، خداوند آخر کار اسلام و ظهور آنرا برای من بیان کرد آن گاه شخصیتی که از ذریه من بدست او عالم اصلاح میشود توصیف نمود که آخر آن حدیث این چند جمله است:

دولاطهرن الارض بأخرهم من اعدائی ولا ملکته مشارق الارض

ومغار بها ولاسخرن له الريح ولاذلان لدالسحاب الصعاب ولاوقينه في
 ولا نصر نه بجندی ولامدنه بملائكنی حتی يعلن دعوتی ويجمع الاسباب
 الخلق على توحیدی ثم لاديعن ملكه ولاداو من الايام بين اوليائي الى
 يوم القيمة .

یعنی زمین را از دشمنان خودم بوسیله آخرین آنها پاک
 خواهم کرد، و او را در مشرق و مغرب زمین، مسلط خواهم نمود، بادها
 را مسخر او می‌کنم، و ابرهای سرکش را برای او رام می‌گردانم، و او
 را، بالای همه اسباب و وسائل قرار میدهم و بلاشکرم او را یاری می‌کنم
 و بملائکه امدادش مینمایم، تا دعوت مرا آشکار کند و مردم را بتوحید
 من جمع کند، آنگاه ملك او را توسعه میدهم و روزگار دولت در
 میان اولیاء من دست بدست می‌گردد تا روز قیامت پس از آنکه دشمنان
 را از میان برداشت و قوای کفر درهم شکست، عدل و قضاوت صحیح
 در سراسر روی زمین که چون یکشهر است مستقر خواهد شد، و در
 سایه تربیت و تحت سرپرستی او، عقول و اخلاق کامل و رشد پیدا
 خواهد نمود.

منابع و ثروت‌های زیرزمینی استخراج میشود، همه سرزمین‌ها
 خرم و آباد میگردد امنیت سراسر اجتماعات را فرا می‌گیرد، تا آنجا
 که مرغها در آشیانه‌ها بی وحشت از مزاحم تخم می‌گذارند، و ماهی‌ها
 در نهرها آسوده زندگی میکنند و در نتیجه تربیت‌های صحیح اطفال
 و نوباوگان، حیوانات و طیور از مزاحمت آنها مصون میمانند.

... فعند ذلك تفرح الطيور في اوكارها والحيتان في مجاري

انهارها و تمد الارض و تفيض العيون و تنبت الارض ضعف اكلها ثم يسير مقدمته جبرائيل وساقته اسرافيل، فيملاء الارض عدلا وقسطاً بعد مولا مظلمت وما جا . » (یعنی چون حکومت او وسعت یافت ... آبادی زمین توسعه می یابد ، چشمه سارها از هر طرف جاری میشود زمین بیشتر از مایحتاج عمومی آذوقه مردم را میرویاند ، جبرئیل (فرشته علم) در مقدمه دولت او اسرافیل (فرشته زندگی) در ساقه دولت اوست ؛ یعنی پیشرفت و پیشقدمش «علم» است و اثر و دنبال آن «زندگی و حیاة» (پس زمین را از عدل و داد پر میکنند، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده) بدعتها از میان برداشته میشود، و بدعت گذاران اعدام میشوند ؛ مساجد و معابدی که برای تظاهر و ریا و حقه بازی ساخته شده «و مسجد ضرار هستند» خراب میکنند ، طرق و شوارع را توسعه میدهند و ...

و در واقع مدینه فاضله ایده آلی بشریت ، حکومت خدا بر مردم بدست مردم عدالت اجتماعی ، آزادی ، برادری جهانی ، همفکری و همکاری صمیمانه بین تمام مردم روی زمین و ... بدینوسیله برپا میشود، و بدیهی است که در این حکومت جهانی طبق دستورهای اولیه اسلام ، سیاست و دیانت یکی بوده و انفکاک ناپذیر خواهد بود و در عین اینکه معنویات قوی و عالمگیر میشود ، مادیات نیز مورد استعاده بشر خواهد بود .

چگونگی قضاوت و حکومت :

مسئله قضاوت در این حکومت مانند قضاوتهای داوود پیغمبر (ع)

خواهد بود یعنی مجرم و جنایتکار را با آثار می‌شناسند، و باقرار و گواه که اغلب باشکنتجه‌های ضدبشری اخذ میشود احتیاج ندارند. حکومت مال و زور سر نیزه، قلدری و دیکتاتوری از میان میرود و مبادلات و معاملات بخدمات اساسی و فضائل و کار و پیشه مبدل خواهد شد که بکلمه جامع و مصطلح عمومی (صلوات) از آن تعبیر شده و همه اسباب و وسائل ارتباطی بنفع اقدامات این دولت و حکومت حقه تمام خواهد شد.

«عن الصادق (ع) اذا قام قائمنا من الله لشيء تنافى اسمعهم و ابصارهم حتى يكون بينهم و بين القائم بر يد يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه و هوفى مكانه . . .» از امام صادق (ع) منقول است که چون قائم ماقیام کند؛ خداوند درباره شنیدنیها و دیدنیهای پیر و ان ما کمک و توسعه میدهد بطوریکه میان آنها و قائم وسیله ایست که قائم با آنها سخن میگوید آنها میشوند و او را مینگرند با آنکه او در جای خود است.

تذکر: در پایان این بحث این مطلب را هم ناچار باید تذکر

دهیم که موضوع ظهور دولت حق و تأسیس حکومت اسلام و اجرای قوانین قرآن بدست قائم آل محمد (ص) در کتابهای مسلمین بعد نواتر ذکر شد تا اعیان احادیث آن در میان مسلمانان مسلم است و مشایخ و علمای این ممالک و سران این ممالک را ساخته مردان سیاسی و دینی و مؤسسين دولتها دانسته‌اند (مثلا شیخ الاسلام تونس، این مطلب را در چند شماره مجله هدی الاسلام تعقیب کرده و مرحوم حضرت آیه الله سید صدرالدین صدر در جواب او کتاب پر ارزش

«المهدی» را تألیف کردند و از طرق مختلفه اتفاق مسلمین را ثابت کرده‌اند. .

جواب تفصیلی این شبهات مربوط بفن و رشته اجتهاد و علم حدیث و درآید و رجال و بررسی کامل اخبار آنست .
و آیا در فن حدیث میتوان باور کرد که این همه اخبار ضعیف باشند؟! پس مسلمانان درباره موضوعات دیگر چگونه باید اجتهاد کنند؟! .

اما جواب اجمالی و خیلی سر بسته اینست که اصولاً تمسک سیاستمداران قرون قبل باین موضوع ، خود دلیل روشنی است که این حقیقت در اسلام ریشه ثابتی دارد و میان مسلمانان گذشته نیز که نزدیک تر بدوره ظهور اسلام بودند این عقیده مسلم بوده و اتصال آن بمبادی اسلام جای شك و شبهه نبوده که کسانی هم توانسته‌اند از این عقیده مسلم استفاده کنند و با خود تطبیق نمایند و سیاست نمیتواند مبدع و منشا اعتقادی بشود ، در حالی که تعصب و غیرت دینی رجال و علمای اسلام و مجاهدین و سربازان اسلامی باندازه‌ای بوده که هر بدعت گذار و مرتد و خارج از دین حق و جنایتکاری را بدون ترس و وا همه میکشند .

و بهر صورت در بین تمام مسلمین اختلافی در اساس این مسئله نیست ، و ما از خداوند میخواهیم که چنین روزی را برای تمام بشریت و سراسر روی زمین نزدیک گرداند و انسانهای ماده پرست غرب و شرق را از این وادی هولناک و ضلالت نجات بخشد .

(پایان)

